

بررسی جرایم ناقص در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲

فروغ سادات حسینی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه بین الملل خلیج فارس

چکیده

جمع ارکان مادی و معنوی در کنار هم به طوری که قانون نیز آن رفتار را مجرمانه تلقی کند جرم نامیده می شود. در واقع جرم جوهره حقوق جزا را تشکیل می دهد و علی رغم اهمیت فراوان جرایم ناقص، در حقوق ایران به ویژه سیاست کیفری مقنن برای پیشگیری از وقوع جرم یا ورود آسیب مستقیم، به تعریف این جرایم و تبیین چهارچوب و ویژگی های آن پرداخته نشده است. جرایم ناقص همانند جرم تام از قبح اجتماعی برخوردار بوده و دلیل اصلی جرم انگاری آنها نیز همانند غالب جرایم مغایرت آنها با نظم عمومی است. جرایم ناقص^۱ به جرایمی گفته می شوند که با وجود دربر داشتن قصد مجرمانه کامل در مرحله اجرا یا عمل ابتر می مانند، یعنی عنصر مادی آن ها به نحوی که در قانون تعریف شده است محقق نمی شود یا مقصود مرتکب عملاً حاصل نمی شود. جرایم غالباً در مواردی اتفاق می افتند که حصول نتیجه خاصی از جرم برای تحقق آن مورد نظر قانون گذار بوده لکن گاهی بنا به دلایلی این نتیجه که مقصود مرتکب هم بوده حاصل نمی شود. عبارت جرم ناقص در برابر جرم تام استعمال می شود و جرم تام جرمی است که همه عناصر متشکل آن به نحوی که در قانون تعریف شده اتفاق می افتد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تبعیت از فقهای که عقیده بر حرمت مقدمه حرام و حرمت تجری دارند جرایم ناقص را به رسمیت شناخته است و شروع به بسیاری از جرایم، جرم محال و به موجب برخی نظرات، جرم عقیم را قابل مجازات اعلام کرده است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برخلاف قانون قبل به موجب نظر برخی حقوقدانان شروع به جرم، جرم محال و جرم عقیم که از مصادیق جرم ناقص محسوب می شوند را در اکثر جرایم قابل مجازات دانسته است. روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی-تحلیلی می باشد.

واژه های کلیدی: جرایم ناقص، شروع به جرم، قانون مجازات، تحولات قانون.

^۱ inchoate crimes

گفتار اول: مقدمه

بوجود آمدن جرم به نوعی مستلزم یک سیورورت است چرا که با تحریک ارده بوسیله انگیزه شروع شده و با تشویق آن به وسیله اندیشه، ترغیب و نهایتاً با تقویت اعمال مقدماتی و اجرایی تکمیل می‌گردد.^۱ مصادیق جرایم ناقص در حقوق جزا که ملموس ترین دسته بندی برای جرایم ناقص است، شروع به جرم، جرم عقیم و جرم محال است. همانطور که بیان شد جرم فرآیندی است که تحقق آن نیازمند طی مراحل به ترتیب توسط مرتکب آن می‌باشد که از نظر علمای حقوق جزا مراحل مختلف عمل مجرمانه نامیده می‌شود و عبارتند از اندیشه مجرمانه یا قصد ارتکاب جرم، تهیه مقدمات شروع به اجرا، انجام کامل جرم. بدیهی است در صورتی که مجرم تمام مراحل فوق را طی نماید جرم تام تحقق می‌یابد ولی گاهی ممکن است مرتکب قسمتی از مراحل چهارگانه فوق را ارتکاب یابد و از این نظر می‌تواند عنوان خاصی داشته باشد صرفنظر از اینکه واجد وصف جزایی باشد یا نباشد. مرحله اول (تفکر جرم) به صورت مطلق و مرحله دوم (تهیه مقدمات) به صورت اصولی وصف مجرمانه به خود نمی‌گیرند مگر اینکه مرحله دوم خود به عنوان جرم مستقلی توسط قانونگذار قلمداد گردد؛ بنابراین از تقسیم بندی‌های جرایم در حقوق کیفری ایران، تقسیم جرایم به جرایم تام و ناقص است. در جرم تام - تمام عملیات اجرایی جرم تا به انتها انجام و جرم به طور کامل محقق می‌شود؛ اما در جرم ناقص، مرتکب که قصد ارتکاب جرم تام را دارد، بیش از انجام عملیات اجرایی آن - به دلیل نقص در خود (جرم عقیم) نقص در هدف (محال مطلق) یا نقص در وسیله (محال نسبی) و یا پس از شروع به اجرای عملیات اجرایی، به دلیل وجود موانعی خارج از اراده‌ی (شروع به جرم) به مقصود خود نایل نمی‌گردد.^۲ بنابراین جرایم ناقص در کنار اندیشه مجرمانه با اعمال و اقدامات مادی و بیرونی همراه می‌شوند، اما این اقدامات بنابر حدوث وقایعی، به پایان نرسیده و یا نتیجه مورد نظر فرد را حاصل نمی‌کنند. فلسفه اصلی جرم انگاری جرایم ناقص تبعیت از سیاست کیفری پیشگیرانه است و قانون گذاران در جرم انگاری جرایم ناقص به دنبال ایجاد مانع برای ورود در ورطه جرم از جانب مرتکبان هستند.^۳

گفتار دوم: مفهوم شناسی**جرم**

جرم که جوهره‌ی حقوق جزا را تشکیل می‌دهد عبارتست از این که ارکان مادی و معنوی در کنار هم گردآیند (در اکثریت جرایم) و از طرفی قانون نیز آن رفتار را مجرمانه تلقی کرده باشد.^۴

قصد مجرمانه

برای تحقق جرم، عنصر روانی لازم است. به این عنصر روانی در جرایم عمدی، «قصد مجرمانه» اطلاق می‌شود که به نظر برخی حقوق دانان، مترادف با «سوء نیت» است.^۵ قصد مجرمانه یا سوء نیت در قانون تعریف نشده است و مقنن در متون قانونی با استفاده از عباراتی همچون: قصد سرقت، قصد اضرار، قصد استفاده نامشروع، عالماً، عمداً و امثال آن داشتن قصد مجرمانه را در ارتکاب جرم عمدی مورد تاکید قرار داده است.^۶ برای تبیین مفهوم قصد مجرمانه در ابتدا لازم است مفهوم اراده روشن شود. اراده، یعنی خواستن؛ اراده ارتکاب عمل مجرمانه، یعنی خواستن انجام آن عمل.^۷

^۱ - علیرضا جعفری، پایان نامه ارشد بررسی جایگاه جرایم ناقص، اصفهان، شهریور ۱۳۸۹.

^۲ - محمد علیان، شروع به جرم در قانون جدید مجازات اسلامی، ماهنامه حقوقی، فرهنگی - اجتماعی دادرسی شماره ۱۰۷ ص ۳۰.

^۳ - فریدون جعفری، روزنامه حمایت، ۱۳۹۳.

^۴ - حسین آقایی نیا، هادی میرزایی برزی، چستی جرایم ناقص، ۱۳۹۲.

^۵ - حسن فراهانی، بررسی تحقق جرم، از اندیشه تا عمل، فصلنامه معرفت، شماره ۴۹، ۱۳۸۹.

^۶ - عبدالحسین علی آبادی، حقوق جنایی، ج اول، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۴۷، ص ۱۲.

^۷ - پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج اول، چاپ گنج و دانش، ۱۳۷۳، ص ۳۰۵-۳۰۴.

شروع به جرم

شروع به جرم حالت مجرمی است که شروع به عملیات اجرایی جرم کرده است اما این عملیات به دلیل ورود عواملی غیر ارادی به پایان نرسیده باشد؛ مانند سارقی که پس از شکستن در یا باز کردن قفل و قبل از بردن مال توسط پلیس دستگیر می شود در شروع به جرم اگر مانع خارجی غیر ارادی وارد نمی شد، احتمال وقوع جرم تام تا حدود زیادی حتمی بود.

جرم عقیم

جرم عقیم حالت مجرمی است که عملیات اجرایی را آغاز کرده و به پایان رسانده اما بازهم نتیجه مورد نظر به دلیل نقص در ابزار یا تجهیزات یا عدم مهارت مرتکب و ... حاصل نشده است. وی در این باره مثالی می زند و می گوید: مانند کسی که به سمت دیگری تیراندازی می کند ولی به دلیل خیس بودن تفنگ احتراق انجام نمی شود به همین دلیل قتل هم صورت نمی گیرد. در این نوع از جرم ناقص، مانند شروع به جرم احتمال وقوع نتیجه بوده است اما به درصد کمتری از شروع به جرم. تفاوت آن با شروع به جرم هم در پایان یافتن عملیات اجرایی در جرم عقیم برخلاف شروع به جرم است.

جرم محال

جرم محال حالت مجرمی است که جرم را به نحو کامل با همه عناصر انجام داده است ولی بنابه دلایلی از جمله منتفی شدن موضوع جرم و ... احتمال وقوع جرم کاملاً از بین رفته باشد مانند تیراندازی به شخصی که قبلاً مرده بوده است. در جرم محال احتمال وقوع جرم وجود ندارد و این تفاوت اصلی آن با دو نوع قبلی یعنی شروع به جرم و جرم عقیم است.^۱

جرم انگاری

جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزشهای اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می کند. بر این اساس جرم انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیر ساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است (آقابابایی، ۱۳۸۴:۱۱).

گفتار سوم: پیشینه تحقیق

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران به جرایم ناقص از مواد ۱۲۲ الی ۱۲۴ زیر مجموعه فصل اول از بخش سوم ۳۹۲ اشاره شده است. قوانین سابق نیز به همه یا بعضی از مصادیق جرایم ناقص اشاره کرده بودند. در قانون مجازات فعلی به شروع به جرم اشاره مستقلی شده و مجازات برای مرتکبین آن متفاوت با نوع و درجه جرم در نظر گرفته شده است؛ اما مصادیق دیگر جرایم ناقص یعنی جرم عقیم و جرم محال مانند شروع به جرم به صراحت در این قانون نیامده است و به طور کلی از برخی از عبارات و اصطلاحات به کار رفته است در مواد مربوطه در این فصل قانون و با لحاظ اصول تفسیری و حقوق کیفری چنین استنباط می شود که قانون گذار جدید مصادیق سه گانه جرایم ناقص را پذیرفته است.^۲ اگرچه جرایم ناقص و شروع به جرم موضوع جدیدی نیست و در تألیفات حقوق دانان چه در قانون قدیم مجازات اسلامی و چه در قانون جدید مجازات اسلامی به این موضوع پرداخته شده و مقالاتی تحت عنوان: شروع به جرم در قانون جدید مجازات اسلامی نوشته محمد علیان در ماهنامه حقوقی، فرهنگی - اجتماعی دادرسی در سال ۱۳۹۲ و بررسی تحقق جرم، از اندیشه تا عمل نوشته حسن فراهانی، فصلنامه معرفت شماره ۴۹، سال ۱۳۸۹ و تقریرات حقوق جزای عمومی نوشته دکتر سید یزدان الله طاهری نسب در سال ۱۳۹۲ و چیستی جرایم ناقص، نوشته حسین آقایی نیا، هادی میرزایی برزی، ۱۳۹۲ و جرم ناقص از تعریف تا مجازات، فریدون جعفری، روزنامه حمایت، ۱۳۹۳. جزوات حقوق جزای اختصاصی ۲ نوشته محمد علی جعفری در سال ۱۳۹۳ و جرم انگاری جرایم ناقص (شروع

^۱ - فریدون جعفری، روزنامه حمایت، ۱۳۹۳.

^۲ - همان

به جرم، جرم محال و جرم عقیم) در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نوشته مرتضی طبیبی و مهرداد اطهری، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۵ و تحقیقات دیگری نیز در این موضوع صورت گرفته است.

گفتار چهارم: اهداف تحقیق

۱. تلاش در جهت یک تعریف دقیق و مستند و کاربردی از جرایم ناقص در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جهت کمک رسانی به حوزه علم حقوق

۲. بررسی مقایسه مراحل شروع به جرم، جرم عقیم و جرم محال

۳. تعیین وضعیت حقوقی و قانونی جرایم ناقص در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲

گفتار پنجم: دلایل جرم انگاری

تمییز جرایم ناقص در مقابل جرایم تام ما را به این امر رهنمون می‌کند که حقوق جزا تا چه میزان می‌تواند رفتارهای اشخاص را کنترل کند و چه هنگام می‌توان از حقوق کیفری و نقش آن در ممنوع ساختن رفتاری استفاده کرد. هرگاه سخن از جرایم ناقص می‌شود باید متذکر بود که این جرایم نیز همانند جرم تام از قبیح اجتماعی برخوردار بوده و دلیل اصلی جرم انگاری آنها نیز همانند غالب جرایم مغایرت آنها با نظم عمومی است به همین دلیل شایسته است این جرایم را از صرف اندیشه مجرمانه تفکیک کرد، زیرا گاهی چنین تصور می‌شود که در جرایم ناقص این اندیشه مجرمانه است که مجازات می‌شود در حالی که این گونه نبوده و در هیچ یک از سیستم های حقوق کیفری اندیشه صرف مجرمانه قابل مجازات نیست. جرایم ناقص در کنار اندیشه مجرمانه با اعمال و اقدامات مادی و بیرونی همراه می‌شوند، اما این اقدامات بنا بر حدوث وقایعی، به پایان نرسیده و یا نتیجه مورد نظر فرد را حاصل نمی‌کنند. فلسفه اصلی جرم انگاری جرایم ناقص تبعیت از سیاست کیفری پیشگیرانه است و قانون گذاران در جرم انگاری جرایم ناقص به دنبال ایجاد مانع برای ورود در ورطه جرم از جانب مرتکبان هستند.^۱

گفتار ششم: انواع جرم ناقص

با لحاظ معیارها و شاخص های دسته بندی، برای جرایم ناقص انواعی قابل هستند. برخی تحت عنوان جرایم ناقص به جرایمی اشاره می‌کنند که مقدمه ارتکاب جرم اصلی هستند؛ اما ملموس ترین دسته بندی که برای جرایم ناقص وجود دارد این است: شروع به جرم، جرم عقیم و جرم محال. همانطور که بیان شد، شروع به جرم حالت مجرمی است که شروع به عملیات اجرایی جرم کرده است اما این عملیات به دلیل ورود عواملی غیر ارادی به پایان نرسیده باشد؛ مانند سارقی که پس از شکستن در یا باز کردن قفل و قبل از بردن مال توسط پلیس دستگیر می‌شود در شروع به جرم اگر مانع خارجی غیر ارادی وارد نمی‌شود، احتمال وقوع جرم تام تا حدود زیادی حتمی بود.^۲

جرم عقیم حالت مجرمی است که عملیات اجرایی را آغاز کرده و به پایان رسانده اما بازهم نتیجه مورد نظر به دلیل نقص در ابزار یا تجهیزات یا عدم مهارت مرتکب و ... حاصل نشده است، مانند کسی که به سمت دیگری تیراندازی می‌کند ولی به دلیل خیس بودن تفنگ احتراق انجام نمی‌شود به همین دلیل قتل هم صورت نمی‌گیرد. در این نوع از جرم ناقص، مانند شروع به جرم احتمال وقوع نتیجه بوده است اما به درصد کمتری از شروع به جرم. تفاوت آن با شروع به جرم هم در پایان یافتن عملیات اجرایی در جرم عقیم برخلاف شروع به جرم است. جرم محال حالت مجرمی است که جرم را به نحو کامل با همه عناصر انجام داده است ولی بنابه دلایلی از جمله منتفی شدن موضوع جرم و... احتمال وقوع جرم کاملاً از بین رفته باشد مانند

^۱ - «دکتر فریدون جعفری» وکیل دادگستری و عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا، روزنامه حمایت، ۱۳۹۳.

^۲ - همان

تیراندازی به شخصی که قبلاً مرده بوده است. در جرم محال احتمال وقوع جرم وجود ندارد و این تفاوت اصلی آن با دو نوع قبلی یعنی شروع به جرم و جرم عقیم است. با توجه به جرم محسوب نمودن جرایم ناقص در اغلب سیستم های کیفری جهان، مسلماً ضمانت اجرایی نیز باید برای این جرایم، در قالب مجازات ها در نظر گرفته شود که معمولاً رویه بدین گونه است؛ اما ضمانت اجرا یا مجازاتی که برای جرایم ناقص در نظر گرفته می شود معمولاً نازل تر از مجازاتی است که برای جرم تام اعمال می شود که معقول و منطقی هم است زیرا اثرها و تبعات منفی و مخل نظم عمومی این جرایم از جرم تام کمتر است و سیاست کیفری معقول و سنجیده مستلزم رعایت تناسب میان جرم و مجازات است. در قانون مجازات اسلامی ایران به جرایم ناقص از مواد ۱۲۲ الی ۱۲۴ زیر مجموعه فصل اول از بخش سوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره شده است. قوانین سابق نیز به همه یا بعضی از مصادیق جرایم ناقص اشاره کرده بودند. در قانون مجازات فعلی به شروع به جرم اشاره مستقلی شده و مجازات برای مرتکبین آن متفاوت با نوع و درجه جرم در نظر گرفته شده است. مصادیق دیگر جرایم ناقص یعنی جرم عقیم و جرم محال مانند شروع به جرم به صراحت در این قانون نیامده است و به طور کلی از برخی از عبارات و اصطلاحات به کار رفته است در مواد مربوطه در این فصل قانون و با لحاظ اصول تفسیری و حقوق کیفری چنین استنباط می شود که قانون گذار جدید مصادیق سه گانه جرایم ناقص را پذیرفته است.^۱

گفتار هفتم: شروع به جرم و مراحل تحقق شروع به جرم

در شروع به جرم مرتکب با عبور از قصد مجرمانه و عملیات مقدماتی وارد در مرحله اجرایی جرم مقصود خود شده و در حالی که تا اتمام کامل جرم تنها یک گام باقی مانده، بدلیل مداخله یک عامل خارجی از رسیدن به نتیجه مورد نظر ناکام می ماند ولی از آنجا که جرم بصورت ناقص محقق گردیده، بنابر این تعریف برای تحقق شروع به جرم دو شرط لازم است: اول: مرتکب شروع به اجرای جرم نماید؛ در واقع شروع به اجرای جرم را باید برزخ میان اعمال مقدماتی و شروع به جرم دانست زیرا اعمال مقدماتی جز در موارد استثنایی غیر قابل مجازاتند، شروع به اکثر جرایم، با اعمال مجازات همراه است بنابراین باید اعمال مقدماتی از شروع به اجرا تمییز داده شود زیرا اگر اعمال مقدماتی در عنوان شروع به اجرا داخل گردد، جرم محسوب می شود و به عنوان شروع به جرم قابل مجازات خواهد بود.^۲

دوم: ناتمام ماندن جرم، معلول مداخله یک عامل خارجی باشد؛ دومین شرط تحقق شروع به جرم، عدم اتمام آن در اثر انصراف غیر ارادی است. برای اینکه شروع به جرم محقق گردد، صرف اینکه مرتکب، شروع به اجرای آن بنماید کافی نیست بلکه نیاز است میان فعل مرتکب و نتیجه مجرمانه عاملی که خارج از اراده اوست مداخله کند و مانع از این گردد که مرتکب به نتیجه دلخواهش برسد؛ بنابراین اگر عدم اتمام جرم به سبب انصراف ارادی باشد، فاعل آن به ارتکاب شروع به جرم مجازات نخواهد شد. البته اگر مقدار عملی که مرتکب گردیده دارای عنوان مجرمانه مستقل باشد، به مجازات آن محکوم می گردد. (گلدوزیان، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

مراحل تحقق شروع به جرم

۱. مرتکب قصد ارتکاب جرم داشته باشد؛ یعنی مرتکب باید قصد مجرمانه داشته باشد و برای ارتکاب یک جرم تصمیم گرفته و عزم خود را جزم نموده باشد و جهت انجام یک جرم وارد عملیات اجرایی جرم مورد نظر گردد.

^۱ - «دکتر فریدون جعفری» وکیل دادگستری و عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا، روزنامه حمایت، ۱۳۹۳.

^۲ - برگرفته از مقاله دکتر مرتضی طبیبی، مهرداد اطهری، مقاله جرائم نلص: واکاوی سازگاری آموزه های فقهی و حقوقی، ۱۳۹۵، ۱۸۱.

۲. مرتکب شروع به عملیات اجرایی جرم مورد نظر نماید؛ یعنی باید از مرحله تفکر و تصمیم‌گیری و فراهم نمودن وسایل و مقدمات جرم گذشته و در حال انجام عملیات مادی (رکن مادی) جرم مورد نظر باشد؛ بنابراین مجرد قصد ارتکاب جرم هر چند توأم با عملیات مقدماتی - که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته - باشد شروع به جرم نیست.

۳. عملیات اجرائی نباید به اتمام جرم و تحقق آن منتهی شوند؛ یعنی جرم مورد نظر به طور کامل محقق نشود. چون چنانچه جرم کامل (جرم تام) محقق گردد دیگر جایی برای طرح شروع جرم باقی نمی ماند. لذا شروع به جرم در زمانی مطرح می شود که جرم کامل محقق نشده باشد. چون شروع به جرم مقدمه ی جرم تام است و چنانچه جرم تام اتفاق بیفتد، مرتکب مجازات جرم تام را خواهد داشت. (بحث جرم عقیم و محال)، (تبصره ماده ۱۲۱ قانون مجازات ۱۳۹۲).

۴. علت عدم تحقق هدف مرتکب - یعنی ارتکاب جرم تام - باید غیر ارادی باشد؛ یعنی مرتکب به علتی غیر از ندامت و پشیمانی نتواند جرم را کامل کند. پس چنانچه مرتکب بعد از شروع به عملیات اجرائی جرم پشیمان شود و جرم را کامل نگردد عمل او شروع به جرم نیست چون خود به اراده خود و از روی اختیار جرم را کامل نکرده است. پس قانونگذار فرصتی برای برگشت مرتکب از اتمام جرم خود داده است و به او فرصت داده تا قبل از اتمام جرم، از نظر خود برگردد بدون اینکه مجازاتی در انتظارش باشد؛ بنابراین در جایی که مثلاً فردی برای ارتکاب جرم آتش سوزی یک ماشین، چنانچه روی آن بنزین ریخته باشد ولی قبل از اینکه آن را آتش بزند پشیمان گردد و جرم را کامل نکند عمل او شروع به جرم نبوده و بدین خاطر قابل مجازات نیست ولی چنانچه در شرف آتش زدن آن ماشین باشد و دستگیر گردد عمل او شروع به جرم محسوب می شود.^۱

گفتار هشتم: مجازات شروع به جرم

در قانون قدیم ماده ی عامی در خصوص شیوه ی مجازات شروع به جرم وجود نداشته است و برای تعیین اینکه آیا شروع به یک جرم قابل مجازات می باشد یا خیر می بایستی به صورت موردی به تک تک مواد قانونی رجوع می شد و دیده می شد که آیا قانونگذار در ذیل هر جرمی شروع به آن جرم را هم پیش بینی کرده است یا خیر؛ که چنانچه قانونگذار به شروع به آن جرم تصریح کرده باشد و مجازات آن را تعیین کرده باشد، جرم محسوب می شد و چنانچه قانونگذار به شروع یک جرمی اشاره نکرده باشد گفته می شد که آن جرم، شروع به جرم ندارد یعنی شروع به آن جرم، جرم نیست. مثلاً در ماده ۶۱۳ ق. ق قانونگذار تصریح کرده بود که هر کس قصد ارتکاب قتل داشته و شروع به عملیات قتل نماید و به علتی خارج از اراده او قتل محقق نشود مجازات ۶ ماه تا ۳ سال حبس دارد. یا در خصوص جرم جعل قانونگذار تصریح کرده که شروع به جعل جرم است و مرتکب به حداقل مجازات جعل محکوم می گردد.

ولی در قانون ۱۳۹۲ ماده ۱۲۱ شروع به جرم تمام جرائم اعم از تغریزات یا قصاص یا حدود را طی یک قاعده ی کلی را تعریف کرده و مجازات آن را حسب شدت جرم موضوع شروع، در ۳ بند تعیین نموده است؛ که به شرح ذیل است: حسب ماده ۱۲۱ قانون جدید هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجراء آن نماید و به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد به مجازات همان جرم و در غیر اینصورت به مجازات شروع به جرم محکوم می شود.

^۱ - شروع به جرم بر اساس قانون مجازات اسلامی، قسمتی از جزوه جزای عمومی ۱، توسط امیر البوعلی، ۱۳۹۲.

بنابراین دو حالت برای شیوه مجازات شروع به جرم قابل تصور است:

۱. اینکه شروع به یک جرم عنوان مجرمانه مستقل داشته باشد. در این فرض مجازات همان جرم مستقل برای مرتکب در نظر گرفته می شود و مرتکب دیگر به خاطر شروع به جرم مجازات نمی شود. مثلاً کسی برای قتل اسلحه ای را تهیه کرده و به قصد قتل به سوی دیگری نشانه می گیرد و همزمان با چکاندن ماشه تفنگ، شخصی تفنگ را از او بگیرد و بدین ترتیب تیر اندازی صورت نگیرد. در اینجا در واقع فرد هم شروع به قتل کرده است و هم عمل ممنوع حمل اسلحه غیر مجاز و قدرتمندی با اسلحه مرتکب شده است. در اینصورت فرد فقط به مجازات قدرتمندی با اسلحه محکوم می شود نه شروع به قتل.

۲. شروع به جرم عنوان مجرمانه مستقلی نداشته باشد. در این صورت بر اساس ذیل ماده ۱۲۱ بستگی به میزان مجازات همان جرم (با فرض محقق شدن به صورت تام) مجازات شروع به آن جرم متفاوت خواهد بود. بدین توضیح که:

۱. شروع در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تغیری درجه ۱ تا ۳ باشد شروع به آنها مجازات حبس درجه ۴ یعنی بیش از ۵ تا ۱۰ سال.

۲. شروع به جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو است یا حبس تغیری درجه ۴ است، حبس تغیری درجه ۵ یعنی حبس بیش از ۲ تا ۵ سال.

۳. شروع به جرائمی که مجازات آنها شلاق حدی یا حبس تغیری درجه ۵ است به حبس تغیری درجه ۶ یعنی حبس بیش از ۶ ماه تا ۲ سال دارند. لذا جرائم درجه ۶ و ۷ و ۸ شروع به جرم ندارند. در جایی که فردی به یک جرم عقیم یا محالی شروع کند باز هم به مجازات شروع به همان جرم محکوم می شود. در این زمینه تبصره ماده ۱۲۱ مزبور مقرر می دارد.

ضوابط تفکیک عملیات مقدماتی از عملیات اجرائی

ماده ۱۲۲ قانون جدید مقرر می دارد: «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد، شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست»؛ بنابراین باید عملیات مقدماتی را از عملیات اجرائی (شروع به جرم) جدا کرد. حقوق دانان برای جدا نمودن این دو از یکدیگر ضوابط متفاوتی را پیشنهاد داده اند؛ که عبارتند از:

۱- نظریه عینی ۲- نظریه ذهنی ۳- نظریه مختلط

بر اساس نظریه عینی، اگر اعمال انجام شده، مصداق تعریف قانونی جرم باشد، چه به صورت یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم و چه به صورت یکی از عوامل تشدید مجازات باشد شروع به جرم صورت گرفته است، مانند دست نهادن (وضع ید) بر مال دیگری که با توجه به تعریف سرقت در قانون، شروع به سرقت محسوب می شود. به موجب نظریه ذهنی، اگر اعمال انجام شده اراده قطعی مرتکب را نشان دهد، هر چند کارهای مقدماتی باشد، شروع به جرم تلقی می شود. مقررات شروع به جرم در حقوق ایران، تلفیقی از هر دو نظریه است، هر چند سمت گیری آن بیشتر به نظریه عینی و ارفاق در مجازات است.^۱ چون تحقق شروع به جرم نیاز به قصد ارتکاب جرم دارد،^۲ در جرائم غیر عمدی یا جرائم حاصل از بی احتیاطی، شروع به جرم مصداق نمی یابد. همچنین شروع به جرم در جرائم مربوط به ترک فعل تصور کردنی نیست.^۳

^۱ - اسماعیل رحیمی نژاد، آشنایی با حقوق جزا و جرم شناسی، ج ۱، ص ۳۹ - ۴۰، قم ۱۳۷۸ ش.

^۲ - پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۸۷ - ۲۸۸، تهران ۱۳۷۶ ش.

^۳ - علیرضا فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۱، ص ۱۸۴، تهران ۱۳۶۴ - ۱۳۶۸ ش.

جرم عقیم

در جرم عقیم مرتکب تا پایان مسیر مجرمانه پیش می رود اما پس از طی مسیر بنا به عللی غیر قابل پیش بینی به نتیجه مورد نظر خویش نمی رسد بنابراین مرتکب در جرم عقیم نسبت به شروع به جرم، گام های بیشتری برداشته و به انتهای عملیات اجرایی رسیده است ولی با این وجود نتیجه مورد نظر را به دست نیاورده است. مثلاً شخصی به قصد کشتن دیگری در مسیر او بمب ساعت شماری می گذارد تا در ساعت معین که از آنجا می گذرد منفجر شود و او را به هلاکت برساند ولی تصادفاً در آن ساعت، به علت پیش آمد استثنایی آن شخص از آنجا عبور نمی کند و با وجود انفجار بمب، آسیبی به او نمی رسد (باهر، ۲۲۵:۱۳۸۰).

جرم محال

در جرم محال مرتکب تا پایان مسیر مجرمانه پیش می رود اما به دلیل آنکه موضوع جرم وجود ندارد، مثلاً متهم به قصد قتل شخصی که قبلاً مرده است به او تیراندازی می کند، یا وسایل مورد استفاده او برای ارتکاب جرم بی اثرند، مثلاً متهم به قصد قتل شخصی به اشتباه شکر را به جای سم در غذای او می ریزد و به نتیجه مورد نظر خود نمی رسد. در حقوق جزا امکان مجازات مجرم جرم محال در میان حقوقدانان تردید وجود داشته است. همچنین اجرای این جرم نمی تواند شروع شود چرا که اجرای آن از همان ابتدا محال بوده است (میرفردی، ۱۳۶:۱۳۸۰). در مقابل برخی از حقوقدانان جرم محال را مستحق مجازات می دانستند زیرا معتقد بودند از لحاظ جرم شناختی بین شخصی که شروع به جرم می کند با کسی که جرم محال را انجام می دهد تفاوتی نیست زیرا اصل، در هر دو مورد ضد اجتماع بودن مجرم و حالت خطرناک اوست (نوربها، ۲۴۱:۱۳۸۴). عده ای هم بینابین عقیده دارند با این تفسیر که محال قانونی را بدون مجازات اعلام کرده اند و محال مادی را قابل مجازات. در محال قانونی، رکن تشکیل دهنده جرم وجود ندارد مانند تیراندازی به یک جسد اما در محال مادی هر چند از نظر قانونی موضوع جرم قابل تعریف است ولی به دلیل عدم تکاپوی وسیله یا عدم تکاپوی موضوع، نتیجه ای که باید حاصل می شده تحقق نیافته است مانند دست بردن در جیب خالی دیگری.^۱

گفتار نهم: تغییرات قانون جدید در بحث شروع به جرم

در حقوق جزا، جرائم از جهت نتیجه ۲ دسته هستند اینکه آیا جرم نیازمند نتیجه هست یا نه تقسیم می شود به جرم مطلق و مقید. جرم مطلق یا جرم رفتاری، جرمی است که نیازمند نتیجه خاص نیست نه اینکه بنا بر تشخیص ما یا تشخیص دادگاه نیاز به نتیجه ندارد. بنابر تعریف قانون از آن جرم است یعنی قانون جرم را به گونه ای تعریف کرده که بدنه آن متصل به یک فعل یا ترک فعل است مانند حمل سلاح بدون مجوز قانونی و ترک انفاق، جعل، جرم ادای شهادت کذب در دادگاه صرف نظر از اینکه شهادت کذب در تصمیم دادگاه موثر باشد یا نباشد، اهمیتی ندارد. جرم مقید نیازمند رفتار و نتیجه است. براساس تعریفی که قانون از جرم به عمل آورده است تشخیص می دهیم که جرم مطلق است یا مقید. در قانون جدید شروع به جرم، تغییرات شگرفی دارد. در زمان قانون سال ۷۰ شروع به جرم، جرم نبود، مگر اینکه رکن قانونی داشته باشد یعنی شروع به جرم فقط در جرائم خاص، جرم بود. به عنوان مثال شروع به کلاهبرداری و شروع به قتل، شروع به آدم ربایی جرم بودند زیرا رکن قانونی داشتند؛ اما قانون جدید مبنا را تغییر داده است. در قانون سابق برای جرم انگاری شروع به جرم از روش احصائی استفاده شده بود یعنی موارد جرم بودن شروع به جرم را شمرده بود و به طور خاص ذکر کرده بود آن هم در جرائم خاص اما قانونگذار در قانون جدید از روش نوعی برای جرم بودن شروع به جرم بهره برده است، ضمن اینکه شروع به جرم های سابق و شروع به جرم های در قوانین سابق را جرم دانسته کماکان، در قانون جدید معیار و ضابطه را نوعی دانسته و تعداد جرائمی که

^۱ - برگرفته از مقاله دکتر مرتضی طبیبی، مهرداد اطهری، مقاله جرائم نلقص: واکاوی سازگاری آموزه های فقهی و حقوقی، ۱۸۸، ۱۳۹۵.

شروع به جرمشان، جرم است را افزایش داده است. از محاسن قانون جدید این است که قانون با عجله وضع نشده است. این مواد بصورت استاندارد وضع شده و شاید اگر غیر از شکل و صورت فعلی وضع می شد به این پختگی نبود.^۱

قانونگذار در افزایش تعداد جرائمی که شروع به جرمشان، جرم است و پذیرفتن ضابطه نوعی ماده ۱۲۲ را وضع نموده است. در بندهای الف، ب، پ، ماده ۱۲۲ قانون جدید علاوه بر جرائمی که به استناد قوانین خاص سابقاً شروع به جرمشان، جرم بوده، جرائم دیگری را هم که دارای مجازاتهای تعزیری از درجه یک تا پنج هستند و همچنین کلیه جرائمی را که مجازات آن قطع عضو یا شلاق حدی است مشمول احکام شروع به جرم نموده یعنی تمام جرائمی که حداقل مجازات ۲ سال حبس به بالا دارند و کلیه جرائمی که مجازات شلاق حدی دارند را مشمول مقررات شروع به جرم دانسته است؛ مثلاً طبق قانون قبلی، شروع به جرم شرب خمر، جرم نبود اما به موجب قانون فعلی جرم است. در صورتیکه شخص شروع به ارتکاب جرم نماید و بدون اراده خود از اتمام جرم ناتوان بماند، مجرم محسوب و به عنوان شروع به جرم محاکمه و مجازات می شود و یا سابقاً شروع به خیانت، جرم نبود اما به موجب قانون جدید جرم است. قانون جدید می گوید هرکس قصد ارتکاب جرم کند و شروع به اجرا نماید لکن بواسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند یعنی نتواند قصدش را اجرایی کند به شرح ذیل ماده مجازات می شود؛ یعنی ماده ۱۲۲ ماده ای جرم انگاری کننده است و بر تعداد جرائم افزوده است. مصادیق شروع به جرم را افزوده است. نقدهایی بر آن وارد است زیرا جرم انگاری کلی و نوعی معمولاً عاری از اشکالات جزایی نخواهد بود. در بحث اجرای عدالت در معنای عام و فلسفه حقوق کیفری در معنای عام، ایراد وارد است که شروع به جرائم مختلف را به یک میزان مجازات تعیین کرده است. طبق ماده ۱۲۲ دیگر در اکثریت جرائم شروع به جرمشان جرم است. درجه بندی مجازاتهای تعزیری در این قانون اهمیت بسیاری دارد. ماده ۱۲۲ می گوید: بند الف) جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه می باشد، در صورت شروع به جرم به حبس تعزیری درجه ۴ محکوم می شوند. می توان گفت یکی از اشکالات قانونگذاری در ماده ۱۲۲ این است که معیار جرم انگاری، نوعی است. به موجب ماده ۶۱۲ قانون سال ۷۵ قتل عمدی، مجازات تعزیری سه تا ده سال حبس محکوم می شود. شروع به قتل هم مجازات ۲ تا ۱۰ سال حبس دارد. این خیلی مثبت نیست؛ یعنی مجازات تعزیری شروع به جرم با مجازات تعزیری ارتکاب جرم تام را قانونگذار به یک میزان قابل مجازات دانسته است.^۲

بند ب) به جرائمی اشاره کرده که مجازات قانونی آنها قطع عضو است مثل سرقت حدی یا قصاص عضو یا حبس تعزیری درجه ۴ که به حبس تعزیری درجه ۵ محکوم می شوند؛ یعنی شروع به جرم اینگونه جرائم، مجازات حبس تعزیری درجه ۵ است

بند پ) اولین قانونی است که شروع به جرم حدی را جرم اعلام کرده است. قبلاً قانونگذار در حدود اختیار جرم انگاری برای خود قائل نبود. قانونگذار در حدود همیشه دست به عصا راه میرفت. قانون حدود و قصاص سال ۶۱ عمده‌تاً برگرفته از قول مشهور فقها بود یعنی قول غالب فقها که به اجماع نمی رسید ولی قول غالب بود. در قانون سال ۷۰ آمدند قانون را در بحث حدود و قصاص از قول مشهور فاصله دادند و منطبق کردند با دیدگاه های حضرت امام خمینی در کتاب تحریرالوسیله و بسیاری از مواد قانون سال ۷۰ ترجمه عبارات تحریرالوسیله بود. در قانون سال ۹۲ جسارت قانونگذار در زمینه حدود افزایش یافت. قانونگذار در سال های قبل بیشتر تابع متون فقهی بود چرا که اعتقاد بر این بود که حدود محدود به نصوص شرعی است یعنی حدود باید تابع نص و فقه باشد. به همین خاطر بود که شروع به جرم حدی، جرم نبود اما در قانون جدید اولین بار است شروع به حدودی که دارای مجازات شلاق حدی هستند، جرم انگاری شده اند. قانونگذار در قانون جدید در مورد شروع به جرم جرائمی که مجازات حبس تعزیری پایین تر از ۲ سال دارند سکوت کرده و نتیجه می گیریم که هیچ تعارضی و تناقضی هم با قوانین سابق وجود ندارد. قانونگذار هیچ جا برای شروع به جرم، معیار و تعریفی ارائه نداده است. از آنجا که در قانون جدید،

^۱ - دکتر سید یزدانه طاهری نسب رییس کنون وکلای دادگستری خوزستان، تقریرات حقوق جزای عمومی، ص ۸، ۱۳۹۲.

^۲ - همان

قانونگذار شروع به جرم محال را جرم اعلام کرده است می توان گفت به نوعی رجعت کرده به قانون مجازات عمومی سال ۵۲ که شروع به جرم محال را جرم اعلام کرده بود در حالیکه قبلاً جرم نبود. جرم محال مانند اینکه کسیکه به قصد سرقت دست در جیب دیگری میبرد در حالیکه جیب خالی است. این محال فیزیکی است که به واسطه وجود موانع خارجی، اساساً ارتکابش ممکن نیست. در حقوق جزا محال ۲ نوع است: ۱- محال مادی (فیزیکی) ۲- محال قانونی. قانونگذار با نهایت تعجب در تبصره ماده ۱۲۲ محال مادی را جرم اعلام کرده است نه محال قانونی را. محال قانونی یعنی از لحاظ قانونی، چنین جرمی محال است یعنی در قانون جدید شروع به جرم محال فیزیکی، در حکم شروع به جرم است.^۱

نتیجه گیری

از تقسیم بندی‌های جرایم در حقوق کیفری ایران، تقسیم جرایم به جرایم تام و ناقص است. در جرم تام، تمام عملیات اجرایی جرم تا به انتها انجام و جرم به طور کامل محقق می‌شود، اما در جرم ناقص، مرتکب که قصد ارتکاب جرم تام را دارد، پیش از انجام عملیات اجرایی آن، به دلیل نقص در خود (جرم عقیم)، نقص در هدف (محال مطلق) یا نقص در وسیله (محال نسبی) و یا پس از شروع به اجرای عملیات اجرایی، به دلیل وجود موانعی خارج از اراده‌ی مرتکب (شروع به جرم) به مقصود خود نایل نمی‌گردد. منظور از جرم ناقص، جرمی است که شخصی شروع به عملیات اجرائی آن کند ولی جرم واقع یا نتیجه حاصل نشود. یکی از صور مختلف واقع‌نشدن جرم، مداخلیت عامل خارجی غیرارادی است که اصطلاحاً شروع به جرم نامیده می‌شود. شروع به جرم، مرحله‌ای قبل از ارتکاب جرم و به معنای اقداماتی است که در جهت اجرای جرم صورت گرفته است و قبل از آن که جرم به مرحله اجرا در بیاید، در راستای ارتکاب آن انجام می‌شود اما به دلیل برخورد با یک مانع خارجی، جرمی که هنوز به طور کامل صورت نگرفته است، متوقف می‌شود و به سرانجام نمی‌رسد. شروع به جرم، نشانه وجود قصد مجرمانه در تعقیب و تکمیل جرم است به عبارتی اگر حین ارتکاب جرم، عاملی خارجی دخالت نکند و مانع تحقق جرم نشود، جرم به صورتی کامل انجام می‌گیرد. این مساله به قدری اهمیت دارد که بخش‌هایی از قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ به آن اختصاص یافته است. قانونگذار در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، همانند قانون سابق شروع به جرم را مورد توجه قرار داده است. بر اساس این ماده، هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن کند و اقداماتی را که ارتباط مستقیم با وقوع جرم دارد را نیز انجام دهد اما به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، اقدام او شروع به جرم محسوب می‌شود و چنانچه در قانون، مجازات دیگری برای آن جرم مقرر شده باشد، به آن مجازات محکوم می‌شود و در غیر این صورت به مجازات‌های مقرر محکوم خواهد شد. در قانون جدید (۱۳۹۲) ماده ۱۲۱ شروع به جرم تمام جرائم اعم از تغریزات یا قصاص یا حدود را طی یک قاعده کلی تعریف کرده و مجازات آن را حسب شدت جرم موضوع شروع، در ۳ بند تعیین نموده است؛ که به شرح ذیل است: حسب ماده ۱۲۱ قانون جدید هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجراء آن نماید و به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد به مجازات همان جرم و در غیر اینصورت به مجازات شروع به جرم محکوم می‌شود. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برخلاف قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که اصولاً جرایم ناقص را بدون مجازات اعلام کرده بود از رویکرد قبلی عدول نموده و به‌موجب نظر برخی حقوقدانان شروع به جرم، جرم محال و جرم عقیم که از مصادیق جرم ناقص محسوب می‌شوند را در اکثر جرایم قابل مجازات دانسته است. قانونگذار در تبصره ماده ۱۲۲ نیز تاکید می‌کند که هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتکاب جرم داشته، اما به جهات مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع بوده، وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام‌شده در حکم شروع به جرم است. تصمیم قاطع بر ارتکاب جرم از سیطره احکام جزایی خارج است. قانون جدید مجازات اسلامی در موضوع شروع به جرم دست قاضی را باز گذاشته است تا شروع به

^۱ - دکتر سید یزدان‌الله طاهری نسب رییس کانون وکلای دادگستری خوزستان، تقریرات حقوق جزای عمومی، ص ۹، ۱۳۹۲.

جرم را تحت پیگرد قرار دهد تا بسیاری از مرتکبان حرفه‌ای جرایم مختلف نتوانند از این طریق شانه خالی کنند و بگویند که ما قانونی در این زمینه نداریم و بتوانند از چنگال قانون رها شوند.

منابع

۱. اطهری، مهرداد، طبیبی، مرتضی، جرائم ناقص: واکاوی سازگاری آموزه های فقهی و حقوقی، ۱۸۱، ۱۳۹۵.
 ۲. اطهری، مهرداد، طبیبی، مرتضی، جرم‌انگاری جرایم ناقص (شروع به جرم، جرم محال و جرم عقیم) در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
 ۳. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات میزان، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۸.
 ۴. البوعلی، امیر، شروع به جرم بر اساس قانون مجازات اسلامی، قسمتی از جزوه جزای عمومی ۱، ۱۳۹۲.
 ۵. آقابابایی، حسین، گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت، مجله فقه و حقوق. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۴.
 ۶. آقایی نیا، حسین، میرزایی برزی، هادی، چپستی جرایم ناقص، ۱۳۹۲.
 ۷. جعفری، فریدون، وکیل دادگستری و عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا، روزنامه حمایت، ۱۳۹۳.
 ۸. جعفری، علیرضا، پایان نامه کارشناسی ارشد، بررسی جایگاه جرایم ناقص، اصفهان، شهریور ۱۳۸۹.
 ۹. جعفری، محمدعلی، جزوه حقوق جزای اختصاصی ۲، ۱۳۹۳.
 ۱۰. رحیمی نژاد، اسماعیل، آشنایی با حقوق جزا و جرم‌شناسی، ج ۱، ص ۳۹ - ۴۰، قم ۱۳۷۸ ش.
- رضایی، مهدی، موسسه حقوقی تندیس تدبیر و امید tandis-tadbiromid.ir
۱۱. طاهری نسب، سید یزدالله، رییس کانون وکلای دادگستری خوزستان، تقریرات حقوق جزای عمومی، ص ۸، ۱۳۹۲.
 ۱۲. علیان، محمد، شروع به جرم در قانون جدید مجازات اسلامی، ماهنامه حقوقی، فرهنگی - اجتماعی دادرسی شماره ۱۰۷ ص ۳۰.
 ۱۳. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج اول، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۴۷.
 ۱۴. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج اول، چاپ گنج و دانش، ۱۳۷۳.
 ۱۵. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران ۱۳۷۶.
 ۱۶. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۱، ص ۱۸۴، تهران ۱۳۶۴ - ۱۳۶۸ ش.
 ۱۷. فراهانی، حسن، بررسی تحقق جرم، از اندیشه تا عمل، فصلنامه معرفت، شماره ۴۹، ۱۳۸۹.
 ۱۸. فرهودی نیا، دکتر حسن، بررسی تطبیقی جرایم ناقص، انتشارات فروزش، ۱۳۸۱، چاپ تبریز، ص ۴۸.
 ۱۹. گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۶، ۱۳.

A Review of Inchoate Crimes in the Penal Code of 2013

Forough Sadat Hosseini

Master of criminal law and criminology, The International University of Persian Gulf

Abstract

Crime occurs when there is a combination of mens rea and actus rea, so that the law also perceives that behavior as a criminal offense. In fact, the crime constitutes the essence of criminal law, and despite the great importance of inchoate crimes, the Iranian law, especially the criminal policy to prevent crime or direct harm, has not defined these crimes and explained its framework and features. Inchoate crimes, like complete crimes are socially indecent, and the main reason why they are regarded as criminal offenses is their being contrary to public order as is the case about most crimes. Inchoate crimes refer to crimes that, despite having full criminal intent, are left incomplete at the execution process or in practice, that is, their actus rea, as defined in the law, is not realized, or the actual purpose of the committor is not practically achieved. Crimes often occur in cases where achievement of a particular outcome of a crime is considered by the legislator, but there are cases where, for some reason, the result is not what the committor actually had intended. The phrase "inchoate crime" is used against complete crime, which is a crime all elements of which have occurred in the manner defined by the law. The Islamic Penal Code of 2013, following the jurists who believe in the prohibition of forbidden primary acts, have recognized inchoate crimes, announcing attempts for many crimes, impossible crime and incomplete crime to be punishable. The Islamic Penal Code of 2013, contrary to the previous law, has considered criminal attempts, impossible crimes and incomplete crimes- which are instances of inchoate crimes- to be punishable in the case of many offenses. A descriptive-analytical method has been used in this research.

Keywords: inchoate crimes, criminal attempt, penal code, law changes.
